

به نام خدا

پیامدهای اشغال و جنگ فرقه‌ای در عراق و مسئولیتهای ما^۱

۱- مقدمه

در پنجمین سالروز درگذشت شادروان دکتر یدالله سبحانی، یاد او و همراهان دیرینش مرحومان آیت‌الله طالقانی و مهندس بازرگان و دیگر یاران درگذشته آنان را گرامی می‌داریم.

از آنجا که هدف اصلی برگزاری چنین مراسمی تجلیل و تمجید بزرگواران از دست رفته نبوده، بلکه فرصتی برای پرداختن به مبرم‌ترین مسائل و دغدغه‌های مبتلا به جاری کشور است، این جانب به مسأله‌ای که در شرایط کنونی برای ایران و منطقه حیاتی است می‌پردازم.

شعله‌ور شدن زبانه‌های جنگ مذهبی در عراق - که هر روز ده‌ها تن از برادران مسلمان ما، اعم از سنی و شیعه، جانشان را در آن از دست می‌دهند و بیم گسترش این بحران در سطح منطقه وجود دارد - اهمیت طرح این موضوع را در سالگرد درگذشت زنده‌یاد دکتر سبحانی برجسته می‌کند. او خود در شرایط نسبتاً مشابه در سال ۱۳۵۵، در جریان جنگ داخلی لبنان که مسلمانان به دست مسیحیان کشته می‌شدند، طی بیانیه‌ای برای کمک به مسلمانان جنگ زده لبنان دعوت به یاری کرد. در آن بیانیه آمده بود:

"جنگهای داخلی لبنان و مسلمان‌کشی بی‌رحمانه‌ای که در این مملکت جریان دارد سخت ناراحت‌کننده و دردآور است و خبرهایی که از شقاوت و رفتار غیرانسانی نسبت به مسلمانهای بی‌پناه این سرزمین می‌رسد، هر انسان با عاطفه‌ای را مضطرب و دلسوز ساخته است. غیر از کشته‌های بی‌حساب که هنوز تعداد قطعی آنها معلوم نیست گاه در روزنامه‌ها می‌خوانیم... و یا می‌شنویم که

(1) موضوع این سخنرانی در پی انتشار نشریه انجمن اسلامی مهندسين در ۱۳۸۵/۱۲/۲۶ انتخاب شده است. نشریه مزبور با عنوان "ریشه‌های بحران جنگ مذهبی در منطقه و راهکارهایی برای جلوگیری از خشونت‌ها و تحقق وحدت اسلامی" تهیه و منتشر گردید. متن کامل این سخنرانی، که در روز پنجشنبه ۸۶/۱/۲۳ در حسینیه ارشاد ایراد شد، با اشاره به محورهایی از آن نشریه تنظیم شده است.

اجساد کشتگان و یا آنها که از گرسنگی و یا نبودن وسیله معالجه و زخم‌بندی مرده‌اند در کنار راه‌ها افتاده و بو گرفته و یا طعمه درندگان می‌شود و کسی نیست که آنها را جمع‌آوری و دفن کند و یا می‌گویند که سینه کشته‌شدگان مسلمان را با تبر به علامت صلیب می‌شکافند و یا می‌خوانیم که صدها نفر را در یک جا زیر آوار خفه و مدفون کرده‌اند و اخیراً شنیده‌ایم که بعضی از محصوران تشنه و گرسنه تل زعفران را که تسلیم شده‌اند یک جا قتل‌عام کرده‌اند.^۱

"بی‌اعتنایی دولتها نسبت به وضع اسفبار لبنان عجیبی ندارد، زیرا اختلاف و برادرکشی در لبنان مثل ممالک نظیر در آسیا و آفریقا ظاهراً به سود آنها و منافع استعماری آنها است. اما تعجب در این است که چگونه غالب هم‌وطنان مسلمان خود نسبت به این جریان بی‌تفاوت و بی‌خیال مانده‌اند."

"مسئله لبنان فاجعه‌ای برای عالم اسلام است و نحوه عکس‌العمل ما نسبت به آن آزمایشی است که از جانب پروردگار نسبت به ما می‌شود و ما به خدا از خشم و انتقامش پناه می‌بریم..."^۱

اگر آن روز مسلمانان در لبنان کشته می‌شدند امروز در عراق برادرکشی بین مسلمانان شیعه و سنی فاجعه به بار آورده است.

پیش از بررسی ریشه‌های این بحران در عراق و در منطقه خاورمیانه و ارائه راهکارهایی برای جلوگیری از این خشونت‌ها، آمار کشته‌شدگان جنگ عراق را مرور می‌کنیم.

۲- ابعاد کشته‌شدگان جنگ عراق از زبان آمار

آمار کشته‌شدگان جنگ داخلی در عراق در سایتهای مختلف بطور منظم ارائه می‌شود.^۲ اگرچه آمارهای مربوط به کشته‌شدگان نیروهای ائتلاف (آمریکا و متحدانش) و همچنین نظامیان عراق نسبتاً هماهنگ است، آمار کشته‌شدگان غیرنظامی عراق کاملاً متفاوت منعکس شده است که علت آن ضمن تحلیلی ارائه خواهد شد.

(1) اسناد نهضت آزادی ایران، جلد ۹- دفتر اول: ادامه مقاومت و مبارزه ۱۳۵۷-۱۳۵۴- صفحه ۱۹۲- انتشار - ۱۳۶۲ و اولین یادنامه دکتر یدالله سبحانی - بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان - به کوشش محمد ترکمان - صفحه ۲۶۵ - انتشارات قلم - ۱۳۷۷

(2) از جمله می‌توان به سایت های www.iraqbodycount.com , www.infoshout.com , www.electroniciraq.net

آمار تلفات جنگ در عراق طی چهار سال (از مارس ۲۰۰۳ تا مارس ۲۰۰۷)

| | | |
|------------------------------------|--|----------|
| نظامیان آمریکایی | ۳۲۴۱ نفر | ۹۲ درصد |
| نظامیان انگلیسی | ۱۳۴ نفر | ۳/۸ درصد |
| * ۱۸ کشور دیگر ائتلاف ^۱ | ۱۴۹ نفر | ۴/۲ درصد |
| جمع | ۳۵۲۴ نفر | ۱۰۰ درصد |
| * تلفات نظامیان عراقی | بیش از ۳۰ هزار نفر | |
| * تلفات غیرنظامیان عراقی | تا ۶۵۴۹۶۵ نفر | |
| * تلفات پیمانکاران | ۲۸۹ نفر | |
| * خودکشی نظامیان آمریکایی | ۴۳ نفر (۳۱ نفر در عراق و ۱۲ نفر در آمریکا) | |
| * تلفات خبرنگاران | ۱۵۵ نفر | |

* آمار زخمی‌ها دو تا سه برابر کشته‌شدگان برآورد شده است.

* حدود ۲ میلیون نفر عراقی به خارج مهاجرت کرده‌اند و حدود ۲ میلیون نفر در عراق جابجا شده‌اند.

* ۲۳۲ استاد دانشگاه‌های عراق کشته و ۵۶ تن ناپدید و بیش از ۳ هزار نفر به خارج مهاجرت کرده‌اند.^۲

هزینه مستقیم آمریکا در جنگ عراق، که ۵۰ میلیارد دلار پیش‌بینی شده بود، امروز به نزدیک ۵۰۰ میلیارد دلار بالغ شده و پیش‌بینی می‌شود که به ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ هزار میلیارد دلار برسد. در خصوص هزینه‌های بسیار سنگین اقتصادی و اجتماعی عراق آماری منتشر نشده است.

بررسی منابع آماری مختلف نشان می‌دهد که میزان تلفات روزانه غیرنظامیان در عراق بطور میانگین در حدود یکصدتن بوده است. بر این اساس، در طول چهار سال، میزان منطقی تلفات به حدود ۱۴۶ هزار کشته بالغ می‌شود و لذا رقم ۶۵۰ هزار تلفات غیرنظامیان - یعنی بطور متوسط

(۱) شامل ایتالیا (۳۳)، لهستان (۱۹)، اوکراین (۱۸)، آفریقای جنوبی (۱۷)، بلغارستان (۱۳)، اسپانیا (۱۱)، کانادا

(۸)، دانمارک (۶)، السالوادر (۵)، اسلواکی (۴)، لیتوانی (۳)، تایلند (۲)، هلند (۱۲)، استونی (۲)، رومانی (۲)، استرالیا (۲)، مجارستان (۱)، و قزاقستان (۱) نفر.

(۲) همشهری ۸۶/۱/۲۰ براساس گزارش رئیس کمیته بین‌المللی همبستگی با استادان دانشگاه‌های عراق

روزانه بیش از ۴۰۰ نفر - غیرمنطقی به نظر می‌رسد. بایستی دلایل بزرگ‌نمایی آمار تلفات غیرنظامیان را از سوی برخی از منابع آمریکایی مورد ارزیابی قرار داد.

آمار سازمان ملل متحد درباره کشته‌شدگان از آمار رسمی دولت عراق بیشتر است. براساس گزارشی، نوری المالکی نخست‌وزیر عراق به مسئولان ذیربط دستور داده است که از انتشار آمار واقعی کشته‌شدگان خودداری کنند و این امر موجب اعتراض مقامات سازمان ملل برای شفاف‌سازی بحران عراق شده است. بررسی آمارهای منابع مختلف نشان می‌دهد که حداقل شمار کشته‌شدگان گزارش شده در چهار سال گذشته ۱۳۵ هزار نفر بوده است.

۳- طرح خاورمیانه بزرگ^۱

اشغال عراق در مارس سال ۲۰۰۳ به وسیله آمریکا و کشورهای عضو ائتلاف و پیامدهای آن در راستای طرح خاورمیانه بزرگ و مبارزه با تروریسم صورت گرفته است. این طرح در سپتامبر ۲۰۰۲ از سوی وزیر امور خارجه آمریکا، کالین پاول، مطرح و سپس به وسیله دیک چنی، معاون رئیس جمهور آمریکا، پیگیری شد.

در پی رخداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مبارزه با تروریسم، با پیوند زدن اسلام‌گرایی با تروریسم و مقابله با جنبش اسلام‌خواهی یکی از راهبردهای جهانی آمریکا قرار گرفته است.

چارچوب توجیهی طرح یاد شده برای مبارزه با تروریسم بر این تحلیل استوار است که توسعه نیافتگی کشورهای اسلامی و عربی مهمترین عامل زمینه‌ساز رشد تروریسم در این کشورها و بنابراین، راهکار مبارزه با تروریسم اجرای اصلاحات سیاسی - اقتصادی و اجتماعی در آنها است. اجرای این طرح در کشورهای عربی خاورمیانه با مقاومت زمامداران کنونی آنها مواجه شده است. زیرا تأمین آزادیهای اساسی و استقرار حاکمیت ملتها از طریق برگزاری انتخابات آزاد و توزیع عادلانه امکانات پایه‌های بسیاری از دولتهای منطقه را متزلزل می‌سازد. در چند سال اخیر، اجرای تدریجی و کند اینگونه برنامه‌ها را - اگرچه سطحی و مقدماتی- در مصر، عربستان سعودی و برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس، مانند بحرین و کویت، شاهد بوده‌ایم.

(1) خاورمیانه کوچک شامل: کشورهای لبنان، سوریه، اردن، فلسطین، عربستان، یمن، کویت، بحرین، قطر، امارات، مسقط، و عمان است. در خاورمیانه بزرگ کشورهای ترکیه، مصر، ایران، قفقاز، آسیای مرکزی و افغانستان نیز شامل می‌شوند.

از سوی دیگر، این تلقی برنامه‌ریزان آمریکا که پس از سقوط دیکتاتورها در کشورهای منطقه (مانند طالبان و صدام حسین)، سربازان آمریکایی خواهند توانست آزادی، دموکراسی و حقوق بشر (البته به صورت هدایت شده) را به مردم این کشورها هدیه کنند، تصور واهی و نادرستی است. زیرا حتی اگر حذف حاکمان دیکتاتور از طریق نظامی امکان‌پذیر باشد، تحولات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی الزاماً بایستی از درون این کشورها بجوشد تا پایدار و مؤثر باشد. هدف راهبردی آمریکا از اجرای طرح خاورمیانه بزرگ ایجاد یک قطب صنعتی - اقتصادی در برابر اروپا و آسیای دور است. تسلط بر منابع و بازارهای نفت منطقه که اقتصاد کشورهای صنعتی وابسته به آن است، بخشی از این برنامه راهبردی آمریکاست. خاورمیانه ۷۰ درصد ذخایر شناخته شده نفت جهان را در اختیار دارد و عراق، با ظرفیت تولید ۷ میلیون بشکه در روز و با کمتر از ۲۵ میلیون جمعیت، در مقام دوم بعد از عربستان قرار دارد.

بر سر راه اجرای طرح خاورمیانه بزرگ سه مانع عمده وجود دارد: جنگ اعراب و اسرائیل، عراق و ایران. با اشغال عراق و حذف صدام حسین در صورتیکه شرایط سیاسی در عراق تثبیت شود، سیاست دولت عراق با آمریکا هماهنگ خواهد شد. پیگیری جدی برای حل مسئله فلسطین و اسرائیل و فشار بر ایران در راستای اجرای این طرح قابل ارزیابی است.

برای ارزیابی این طرح، به بررسی تجربه اشغال عراق و پیامدهای آن به عنوان نمونه می‌پردازیم.

برای فراهم شدن زمینه لازم برای اجرای طرح حمله نظامی به عراق، طرح صلح اعراب و اسرائیل در ۲۸ مارس ۲۰۰۲ در اجلاس سران عرب در بیروت تصویب شد. این طرح که به عنوان "زمین در مقابل صلح" معروف است، شامل عقب‌نشینی اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی سال ۱۹۶۷، برپایی دولت مستقل فلسطینی به پایتختی قدس، بازگشت آوارگان فلسطینی و به رسمیت شناختن دولت اسرائیل است. که البته اسرائیل در آن موقع از پذیرفتن آن خودداری کرد. اما در شرایط کنونی - که طرح صلح با اسرائیل مجدداً در کنفرانس سران عرب با پشتیبانی آمریکا، اروپا و چند کشور دیگر در ریاض برگزار شد و جبهه متحدی از کشورهای عربی برای حل مشکل فلسطین و اسرائیل شکل گرفته که حتی حماس هم با آن موافقت کرده است - مقدمات اقدام جدیدی در منطقه خاورمیانه در حال شکل‌گیری است. بی‌تردید، اجرای طرح خاورمیانه بزرگ، علاوه بر

مواعی که در بالا به آنها اشاره شد، با مشکل حضور و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه، که مدعی اندیشه خاورمیانه بزرگ اسلامی و رهبری جهان اسلام است، نیز روبرو است.

۴- روند تحولات عراق بعد از سقوط صدام حسین

در مارس ۲۰۰۳، با حمله نظامی آمریکا به عراق، دولت صدام حسین سقوط کرد. اگرچه حذف دیکتاتور عراق موجب شادمانی مردم عراق و همه آزادیخواهان جهان شد، پیامدهای آن بحرانهای سنگینی را بر ملت عراق و منطقه تحمیل کرده است. این بحرانها را می‌توان در سه دوره زیر مورد بررسی قرار داد:

۴-۱- از آغاز بحران تا تصویب قانون اساسی جدید، تشکیل نهادهای قانون اساسی و انتخاب دولت قانونی

۴-۲- تا پیروزی حزب‌الله و مقاومت لبنان و شکست اسرائیل در اوت سال ۲۰۰۶

۴-۳- از شکست جمهوریخواهان آمریکا در انتخابات سال ۲۰۰۶ و پیگیری استراتژی جدید دولت آمریکا در عراق و منطقه

دولت آمریکا ابعاد بحران عراق پس از حمله نظامی و ساقط شدن صدام حسین را در طرح خود پیش‌بینی نکرده بود. همان‌گونه که گفته شد، آمریکا فقط ۵۰ میلیارد دلار اعتبار برای جنگ عراق پیش‌بینی کرده بود، در حالی که تاکنون در حدود ۱۰ برابر آن هزینه شده است و پیش‌بینی می‌شود که تا ۴۰ برابر نیز افزایش یابد.

یکی از موانع اصلی تثبیت دولت موقت عراق، پس از فروپاشی رژیم صدام حسین و استقرار حاکمیت ملی، انحلال همزمان حزب بعث و ارتش عراق بود.^۱ کادرهای ورزیده حزبی و نظامیان وفادار به صدام با امکانات وسیع بر ارتش نامنظم برای جنگ شورشگری تبدیل شده است. به تدریج، با استقرار دولت قانونی منتخب مردم، که بطور طبیعی شیعیان و کردها اکثریت پارلمان و دولت را در اختیار گرفتند و بویژه پس از پیروزی مقاومت لبنان و شکست اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه، حساسیت کشورهای عربی درباره شکل‌گیری یک کشور دوم شیعه با واکنش‌های منفی در

(1) بعد از پیروزی انقلاب، دولت موقت برای انحلال ارتش تحت فشار شدیدی بود، دولت موقت زیر بار نرفت. پیامد انحلال ارتش عراق واقع‌بینی و دورنگری دولت موقت را نشان می‌دهد.

میان دولت‌های عربی روبرو شده است. بطوری که علاوه بر نیروهای بعثی هوادار صدام، گروه‌های ضدشیعه مانند القاعده نیز شکل گرفت و این جنگجویان در مقابل نیروهای ائتلاف و نظامیان عراق به مقاومت پرداختند. باتوجه به نزدیکی طبیعی و تاریخی بسیاری از سران کنونی دولت عراق با جمهوری اسلامی ایران و نفوذ گسترده و نقش مهم نیروهای طرفدار ایران در عراق، برخورد سنیان با شیعیان، که در ابتدا بیشتر شکل سیاسی جابجایی قدرت داشت، به تدریج با تشدید اختلافات مذهبی، شکل تقابل مذهبی به خود گرفت. علاوه بر فتاوی سران القاعده، جمعی از روحانیان ارشد عربستان سعودی بیانیه‌ای در ۱۶ آذر ۱۳۸۵ در حمایت از معارضان سنی عراق صادر کردند و هماهنگ با مواضع القاعده از همه مسلمانان جهان خواستند که علیه ائتلاف شیعیان و نیروهای مهاجم آمریکایی برای حمایت تبلیغاتی و تسلیحاتی برادران سنی عراق بپا خیزند!

در آن بیانیه و سایر فتوایی که با عنوان "وجوب حمایت از اهل سنت عراق" صادر شده است، برای تحریک احساسات مذهبی اهل تسنن در کشورهای اسلامی، تصریح گردیده است که شیعیان رافضی، ایرانیان صفوی، با کمک آمریکایی‌های اشغالگر صلیبی، دست به کشتار، شکنجه و اجبار به مهاجرت سنی‌های عراق زده‌اند تا توطئه شکل‌گیری هلال شیعی در منطقه تحقق یابد و با کاهش نفوذ سنی‌های منطقه از اشغالگران یهودی در منطقه حمایت شود!!

در برابر عملیات انتحاری، انفجارهای کور و ترورهایی که سنیان علیه شیعیان انجام می‌دهند، شیعیان افراطی عراق - به رغم تذکرات رهبران مذهبی، بویژه آیت الله سیستانی، که طرفدارانشان را از هرگونه اقدام خشونت‌آمیز بویژه علیه سنی‌ها برحذر داشته‌اند - نیز دست به اقدامات متقابل زده‌اند که تصاویر ویدیویی صحنه‌های فجیع این عملیات، برای تحریک بیشتر اهل سنت و حامیان آنان در کشورهای عربی، پخش شده است.

آمریکا، در چارچوب استراتژی جدید خویش در عراق و منطقه، :

۱- فشار بر ایران را در پرونده هسته‌ای تا حد صدور سه قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد با اجماع جهانی علیه ایران گسترش داده و ایران را در معرض تحریم اقتصادی و انزوای سیاسی قرار داده است. تداوم این روند، در صورت عدم تعلیق غنی‌سازی اورانیوم، به وسیله ایران، می‌تواند تصمیمات نظامی نیز علیه ایران در پی داشته باشد. دولت آمریکا نه تنها حمایت روسیه، چین و هند و ژاپن را در تقابل با ایران بدست آورده است بلکه حمایت کشورهای عربی را

نیز با محوریت عربستان سعودی علیه ایران نیز جلب کرده است. در این جبهه، علاوه بر عربستان، کشورهای مصر، اردن و امارات نقش بیشتری دارند.

۲- با همکاری آمریکا و نیروهای ائتلاف، عربستان سعودی نقش کلیدی در حل و فصل مسائل کشورهای خاورمیانه، از جمله محوریت در مذاکرات گروه‌های فلسطینی و طرح صلح خاورمیانه و رفع اختلافات لبنان ایفا کرده است، این اقدامات در راستای محدود کردن نقش و نفوذ ایران در منطقه ارزیابی می‌شود.

با کمال تأسف باید اعتراف کرد که در عرصه داخلی جامعه ما گفتارها و رفتارهای خلاف مبانی و شئون اسلامی رایج است و حتی رسانه‌های جمعی رسمی به اندیشه‌های انحرافی و باطل دامن می‌زنند - که همین امر محملی برای بهره‌برداری مخالفان و تشدید اختلافات و کینه‌های فرقه‌ای شده است - در عرصه بین‌المللی نیز، با اظهارات نسنجیده برخی از مقامات و سوء تدبیر دیپلماسی ایران، به اجرای استراتژی جدید آمریکا و اسرائیل در منطقه و ایجاد جبهه متحد علیه ایران کمک شده است.

۵- تحلیل برنامه آمریکا در منطقه و ایران

برنامه‌ریزان آمریکایی تصور می‌کردند که پس از اشغال نظامی عراق و تشکیل دولت منتخب مردم، می‌توانند با استفاده از منابع غنی نفت و سایر ظرفیت‌های عراق، الگوی طرح خاورمیانه بزرگ را برای کشورهای دیگر منطقه پیاده و اهداف دراز مدتشان را دنبال کنند. بوش، رئیس‌جمهور آمریکا، یک سال پس از اشغال عراق طی نطقی خطاب به ملت آمریکا گفت :

" ما و نیروهای ائتلاف با تقویت دموکراسی و آزادی در عراق عوامل خشونت و کشتار را مهار خواهیم کرد" وی اضافه کرد: "در افغانستان دو چشم‌انداز خشونت و جنایت و دیگری آزادی و زندگی در تقابل هم قرار گرفتند و امروز شیخ طالبان در افغانستان برطرف شده و مردم به زندگی آزاد و انسانی دست یافته‌اند. امروز نیز دو چشم‌انداز در عراق در مقابل هم قرار دارند. شکست آزادی، خشونت و جنایت در پی خواهد داشت. ما در این تقابل شکست نخواهیم خورد. دشمن شکست خواهد خورد و این پیروزی سنگین بهای دستیابی به آزادی است..."^۱

(۱) سایت ریاست جمهوری آمریکا، ۲۴ می ۲۰۰۴

باتوجه به واقعیت‌های فرهنگی - اجتماعی عراق، که در طرح آمریکا دیده نشده بود، روند تحولات و سیاست دولت منتخب مردم، حتی در فضای اشغال عراق، هماهنگ با استراتژی آمریکا عمل نکرد و برنامه‌های آمریکا در عراق محقق نشد، و امروز دیپلماسی آمریکا با بحران جدی روبرو شده است. بطوریکه بسیاری از صاحب‌نظران آمریکا مانند هنری کیسینجر تصریح کرده‌اند که پیروزی نظامی در عراق امکان‌پذیر نیست.^۱ پیامد این بحران واکنش چشمگیر مردم در انتخابات اخیر آمریکا و پیروزی حزب دموکرات و مخالفت کنگره با حضور نظامی آمریکا و جنگ در عراق است تا هزینه‌های جنگ و شکست محتوم آن را کاهش دهند.

در شش ماه اخیر، پس از پیروزی تاریخی مقاومت لبنان و حزب الله در جنگ ۳۳ روزه با ارتش تجهیز شده اسرائیل، آمریکا استراتژی جدیدی را برای خروج از بحران عراق تدارک دیده است. در این استراتژی، همان گونه که توضیح داده شد، چند مؤلفه زیر مشهود است:

۱- تشدید جنگ فرقه‌ای شیعه و سنی در داخل عراق، با تحریک احساسات مذهبی کشورهای عربی.

۲- ایجاد جبهه‌ای از کشورهای عربی در تقابل با سلطه و برتری جمهوری اسلامی ایران در منطقه .

۳- تقویت نقش عربستان سعودی برای حل و فصل بحرانهای منطقه و حذف نفوذ ایران در کشورهای منطقه خاورمیانه.

۴- تشدید فشار بر ایران در پرونده هسته‌ای و منزوی کردن آن.

همان گونه که آمریکا، در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، با استفاده از راهبرد جنگ‌های کم شدت و دراز مدت در طول ۸ سال، جنگ را با بهره‌برداری از شعارها و تحلیل‌های نادرست خود ما، بر دو ملت ایران و عراق تحمیل کرد و بنیه اقتصادی و انسانی و ظرفیت‌های انقلابی مردم ما را به تحلیل و ضعف کشاند تا انقلاب از درون با بحران روبرو شود، به نظر می‌رسد که بوش رئیس‌جمهور آمریکا در تداوم استراتژی جدیدش در بحران جنگ عراق نیز با تشدید جنگ مذهبی و طایفی و تحمیل هزینه‌های سنگین آن، توانمندیهای انسانی، اقتصادی و اجتماعی عراق و منطقه را به سوی ضعف و تحلیل هدایت می‌کند تا حضور آمریکا را در عراق و منطقه به عنوان یک

(1) سایت بازتاب ۸۶/۱/۱۲

ضرورت در راستای اهداف دراز مدت خویش تثبیت کند. بزرگنمایی آمار کشته شدگان غیر نظامی عراق نیز برای تضعیف روحیه مسلمانان و ارائه چهره زشتی از آنان در سطح جهان قابل ارزیابی است.

بعلاوه، راهبرد آمریکا تقویت جبهه کشورهای عربی با تقویت حساسیت ضد شیعی و ضد ایرانی و مشغول شدن آنان با طرح صلح خاورمیانه و تضعیف مناسبات ایران با کشورهای منطقه است تا در صورت حمله نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران، آنان از حمایت یا لاقبل بی طرفی کشورهای عربی - اسلامی منطقه بهره گیرند و از هرگونه واکنش به نفع ایران اطمینان حاصل کنند.

چشم انداز اشغال نظامی عراق را می توان اینطور خلاصه کرد، همان گونه که گفته شد چون پیروزی نظامی آمریکا در عراق دست کم در کوتاه مدت امکان پذیر نیست دو گزینه دیگر برای سرنوشت آمریکا در تداوم اشغال عراق متصور است. گزینه اول تشدید فشار نظامی و سیاسی بر نیروهای آمریکایی است تا آمریکا مجبور شود نیروهای خود را در کوتاه مدت از عراق خارج کند. این گزینه بمنزله شکست نظامی آمریکا در اجرای طرح خاورمیانه بزرگ است. گزینه دوم تداوم حضور نظامی آمریکا در عراق و وضعیت نه پیروزی و نه شکست است. اگرچه برخی از کشورهای منطقه ممکن است طرفدار پیروزی آمریکا باشند، اما بیشتر کشورهای منطقه طرفدار گزینه دوم هستند تا امنیت ملی، ساختار سیاسی و اقتصادی خودشان را حفظ کنند. محور اصلی گزارش بیکر - هامیلتن راهکار خروج کم هزینه آمریکا از باتلاق جنگ عراق است.

تغییر استراتژی مقتدی صدر (جیش المهدی) و پیام راهپیمایی اخیر آنان در نجف در راستای پیگیری گزینه اول قابل ارزیابی است. وی از نیروهای عراقی خواست با نیروهای آمریکا همکاری نکنند و به شبه نظامیان خود دستور داد که حملاتشان را فقط متوجه اشغالگران کنند.

آنچه در اینجا باید اشاره کرد هماهنگی دغدغه های نشست کنفرانس نظامی - امنیتی در سطح کارشناسان چهار کشور مهم عربی در آسوان مصر با دغدغه های کنفرانس سالانه همکاری استراتژیک اسرائیل و آمریکا (AIPAC) در اواخر سال ۱۳۸۵، با عنوان "برنامه هسته ای ایران و تهدید آن بر منطقه از نظر اسرائیل و آمریکا" است.^۱

(1) سایت بازتاب ۸۶/۱/۷

۶- راهکارهای جلوگیری از خشونتها

در قبال بحران امروز عراق و منطقه و خون بیگناهایی که هر روز بر زمین می‌ریزد همه ما مسئولیم. در اینجا به پاره‌ای از راهکارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برای جلوگیری از خشونتها اشاره می‌کنم:

۶-۱- راهکارهای فرهنگی - اجتماعی

اگرچه ریشه اصلی جنگ مذهبی در عراق سیاسی است، محمل کسانی که دست به کشتن برادران شیعه یا سنی می‌زنند احساس کور و توسعه نیافته مذهبی و تضاد اعتقادات مذهبی قشری است. اختلافات کلامی شیعه و سنی، یا عرب و عجم، در جوامع اسلامی سابقه تاریخی دارد. در دو قرن اخیر، دولتهای استعماری برای استیلا بر منابع این کشورها همواره از سیاست تفرقه‌افکنی میان مذاهب، اقوام و ملل اسلامی بهره‌برداری کرده‌اند و حتی با بنیان‌گذاری فرقه‌های جدید، زمینه‌های افزایش تفرقه مذهبی را فراهم ساخته‌اند؛ گسترش خرافات و اندیشه غالبان شیعی، تأسیس و یا بهره‌برداری از بهائیت در ایران، قادیانی در پاکستان و وهابیت در عربستان سعودی بخشی از برنامه‌ای است که عموماً با تحریک احساسات مسلمانان، اعم از سنی و شیعه، صورت گرفته و می‌گیرد. توسعه برنامه‌ریزی شده خرافات و پیرایه‌های مذهبی در رسانه‌های رسمی و غیررسمی در ایران پس از پیروزی انقلاب - که بعضاً حتی با انتقاد مراجع و عالمان دینی روبرو بوده است - از جمله مبانی فتوهای کشتن شیعیان است. عملیات انتحاری و کشتن افراد بی‌گناه فقط با تحریک احساسات مذهبی افراد ناآگاه امکان‌پذیر است.

راهکارهای فرهنگی - اجتماعی برای جلوگیری از اینگونه خشونتها در چند محور زیر می‌تواند برنامه‌ریزی شود.

(۱) زدودن خرافات و پیرایه‌ها از باورهای مذهبی شیعه و سنی - این برنامه نیاز به کار فرهنگی گسترده و درازمدت با مشارکت عالمان دینی، روشنفکران و آگاهان جامعه دارد. راهکار آن نیز، همان گونه که در آموزه‌های قرآنی و سخنان پیامبر بزرگ اسلام (ص) و امامان (علیهم‌السلام) آمده است بازگشت به قرآن و سنت وحدت‌آفرین پیامبر است. دستور الهی "واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا"، یعنی چنگ زدن به ریسمان الهی آموزه و راهکار قرآنی برای جلوگیری از تفرقه است.

کسانی که با رابطه والای انسان با خدا و روابط بسیار نزدیک و عاشقانه خدا با انسان در آموزه‌های قرآنی آشنا باشند، (از جمله "هو معکم این ماکنتم" و "ادعونی استجب لکم") ذهنشان هرگز به دنبال جایگزین دیگری (یعنی شرک) منحرف نمی‌شود. در قرآن، جایگاه رفیع پیامبران، مؤمنان و انسان به تفصیل تشریح شده است تا بستر بندگی خدا و راه رشد و کمال انسان هموار گردد و انسان منحرف نشود.^۱

(۲) پرهیز از غلو درباره پیامبر و امامان - آنچه بهانه به دست گروه‌های سنی افراطی، مانند القاعده، داده است و آنان براساس فتاوی و هابیون دست به کشتار وحشیانه شیعیان در کشورهای اسلامی، به ویژه امروز در عراق، می‌زنند از یک سو عقاید، اظهارات و رفتارهای غلوآمیز درباره خاندان پیامبر بزرگوار اسلام (ص) و بطور خاص درباره امامان شیعه (علیهم‌السلام) است و از سوی دیگر، و مهمتر از آن، سب و لعن و ناسزاگویی شیعیان به صحابه پیامبر خدا (ص) است که به دست افراطیون اهل تسنن برای دشمنی با شیعیان بهانه می‌دهد. اهل تسنن معمولاً نه تنها به امامان شیعه اهانت و جسارت نمی‌کنند بلکه حتی برای آنان احترام زیادی نیز قایل هستند. البته واکنش رفتارهای سنیان افراطی رفتارهای مشابه از سوی شیعیان افراطی است که در چارچوب فتنه سیاسی یاد شده در منطقه خاورمیانه برنامه‌ریزی و هدایت می‌شود. پیامد چنین فرایندی شکل‌گیری تدریجی جبهه‌ای از کشورهای عربی سنی مذهب علیه کشورهای عربی شیعه و ایران است. واقعیت این است که امروزه در رسانه‌های کشور ما و تبلیغات مذهبی رایج آنقدر مطالب غلوآمیز و بعضاً شرک‌آلود نسبت به امامان شیعه (علیهم‌السلام) نسبت داده می‌شود که با اعتراض برخی از مراجع تقلید و روحانیان روشنفکر روبرو بوده و هست.

راهکار مفید و مؤثر برای رویارویی با این جریان انحرافی معرفی شخصیت و جایگاه امامان شیعه براساس محکمت قرآن، سنت جامع پیامبر (ص) و آگاهی دادن به مردم است. بررسی نتایج پژوهش‌های تاریخی که در سالهای اخیر به وسیله محققان فرهیخته در حوزه و دانشگاه ارائه شده است نشان می‌دهد که بسیاری از مبانی اعتقادی غلوآمیز در فرهنگ کنونی شیعه ریشه در منابع عالمان دینی قرن دوم هجری به بعد، بویژه در دوران حکومت

(1) به نشریه مورخ ۸۵/۱۲/۲۶ انجمن اسلامی مهندسين برای تفصیل بحث و آیات قرآن مراجعه شود.

صفویه، دارد.^۱ مراجعه به منابع دو قرن اول، بویژه سخنان و زندگی مستند امامان شیعه، نشان می‌دهد که آنان مبرا از غلوهای نسبت داده شده به آنان هستند.

(۳) تأکید بر وجوه اشتراک - همان گونه که علمای سنی و شیعه عراق در بیانیه مهرماه ۱۳۸۵

خود در مکه - که به "سند مکه درباره عراق" معروف است - تصریح کرده‌اند، "نقاط مشترک بین این دو مذهب (سنی و شیعه) بیش از مواضع مورد اختلاف آنها است و اختلاف بین این دو مذهب - هر کجا دیده شود - اختلاف در نظر و برداشت است و اختلافی در اصول ایمان و ارکان اسلام وجود ندارد و از نظر شرعی جایز نیست که هیچ یک از این دو مذهب به کسی از مذاهب دیگر اتهام تکفیر وارد کند" درخصوص "اختلاف در برداشتها" در سطح علمی و پژوهشی و گفتگوی بین عالمان و اندیشمندان اسلامی بایستی برنامه‌ریزی و زمینه‌های تفاهم و نزدیکی بیشتر فراهم شود.

نه تنها باید با سایر مذاهب اسلامی بر پایه وجوه اشتراک وحدت اسلامی را پایه‌گذاری کرد، در جامعه ایران و بین دیدگاههای مختلف شیعی نیز رعایت این اصل برای اتحاد و اتفاق لازم است. کسانی که براساس نظرات فقهی یا سیاسی خاص خود انتظار اتحاد و وحدت دارند خود بر طبل تفرقه و پراکندگی می‌کوبند و ره به جایی نخواهند برد.

پیامد طرح شعارهای شیعی و خواندن دعای فرج بوسیله آقای احمدی‌نژاد در سخنرانی جلسات کشورهای خارجی مانند سازمان ملل، عملاً دامن زدن به اختلافات مذهبی است. در این گونه سخنرانی‌ها با استفاده از شعارهای عام اسلامی می‌توان به وحدت و انسجام مسلمانان کمک کرد.

(۴) احترام به سایر مذاهب و حفظ حقوق اساسی آنها - برای خشکاندن ریشه‌های تفرقه،

خصومت و دشمنی‌های فرقه‌ای بین پیروان مذاهب مختلف اسلامی، باید با برنامه‌ریزی براساس آموزه‌های قرآنی زمینه‌های احساس اخوت و برادری اسلامی بین آنان تقویت شود. اولین راهکار آن تأمین حقوق اساسی پیروان مذاهب اقلیت در هر کشور است. در کشور ما متأسفانه برادران اهل تسنن از حقوق اساسی و مدنی خود، از جمله آزادی عمل برای اجرای شریعتشان محروم هستند. همان گونه که پیروان سایر ادیان اقلیت، مانند

(1) به مقاله آقای دکتر محسن کدیور در فصلنامه مدرسه، اردیبهشت ۸۵، با عنوان "قرائت فراموش شده" بازخوانی نظریه "علمای ابرار" تلقی اولیه اسلام شیعی از اصل "امامت" مراجعه شود.

مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان، کلیساها، معابد و مدارس و مراکز فرهنگی ویژه خود را دارند، جا دارد که برادران اهل تسنن بتوانند در شهرهای مختلف کشور، از جمله تهران، مسجد و مراکز فرهنگی اختصاص داشته باشند.

همه به یاد داریم که رهبر فقید انقلاب و بسیاری از پیشگامان انقلاب اسلامی، مانند شهید استاد مطهری، در توصیف ویژگی‌های جمهوری اسلامی تصریح کرده بودند که حتی مارکسیست‌ها می‌توانند، در چارچوب قانون، نظرات و دیدگاه‌هایشان را بیان کنند و مورد احترام هستند.

(۵) توسعه گفتگو بین عالمان و اندیشمندان مذاهب اسلامی برای تقویت وجوه اشتراک و

همکاریهای فرهنگی و اجتماعی و کاهش اختلافات و تنش‌ها - نمونه‌های تاریخی این همکاریها می‌تواند راهنمای خوبی برای این گونه گفتگوها باشد. علت عدم موفقیت طرح گفتگوی فرهنگها و تمدنها - که آقای سیدمحمد خاتمی مطرح کردند و در سطح جهانی بازتاب خوب و گسترده‌ای داشت و نهادهای بین‌المللی نیز از آن استقبال کردند - این بود که در درون کشور ایران امکان گفتگوی آزاد بین عالمان و صاحبان اندیشه‌های مختلف وجود ندارد و رسانه‌های رسمی ما تک صدایی هستند و طبعاً این پرسش مطرح شده است که چگونه رئیس‌جمهور چنین کشوری می‌خواهد منادی گفتگو میان ایران و دیگران باشد؟ آیا در شرایط کنونی در حوزه و دانشگاه امکان برگزاری میزگرد و جلسات گفتگو بین صاحب‌نظران مختلف غیرموافق حاکمیت وجود دارد؟ متأسفانه در دوره دولت نهم، بیش از گذشته، فضای دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور بسته شده است. در حال حاضر، در داخل کشور محدودیت‌های زیادی برای ارائه نظرات متفاوت با دیدگاه حاکمان و گفتگو بین آنها وجود دارد. کافی است که به برنامه‌های "رادیوی گفتگو"ی رسانه ملی - که چندی است کارش را آغاز کرده است - نگاه کنید. مدیران این رسانه اختیار برگزاری میزگرد با شرکت صاحبان نظرات غیرموافق با دیدگاه‌های حاکمان را ندارند.

۲-۶- راهکارهای سیاسی

(۱) حمایت از نهادهای مدنی و جنبشهای طرفدار آزادی، دموکراسی و حقوق بشر - همان گونه که توضیح داده شد برنامه‌ریزان طرح خاورمیانه بزرگ، چارچوب توجیهی طرح مبارزه با تروریسم در منطقه خاورمیانه را اجرای اصلاحات سیاسی - اقتصادی از طریق تأمین

آزادی و استقرار نظام دموکراتیک در این کشورها معرفی کرده‌اند. ارزیابی چهارسال تلاش آمریکا و نیروهای ائتلاف در عراق نشان می‌دهد که نیروهای خارجی در اجرای این برنامه شکست خورده‌اند. حتی اگر ساقط کردن دیکتاتورها از طریق نظامی امکان‌پذیر باشد، تحولات سیاسی - اجتماعی در کشورهای منطقه نمی‌تواند با فشار نظامیان و برنامه‌های خارجی صورت گیرد. از طرفی، اجرای برنامه‌های توسعه کشور منوط به تحولات سیاسی - اجتماعی و مشارکت واقعی مردم در اداره کشور است. پیش‌نیاز این تحولات نیز شکل‌گیری و توسعه نهادهای مدنی مانند انجمنهای صنفی، احزاب، مطبوعات مستقل و تضمین آزادی فعالیت آنها در چارچوب قانون است که در اصول فصل سوم قانون اساسی، بویژه اصل ۲۶ آن، تصریح شده است. اگر این توسعه‌های درون‌زا براساس ویژگیهای فرهنگی - اجتماعی و واقع‌بینانه برنامه‌ریزی، حمایت و اجرا نشود، زمینه اجتماعی برای پذیرش این تحولات با کمک بیگانگان فراهم می‌گردد که در آن صورت تحولات سطحی بوده، در راستای منافع ملی کشورهای منطقه نخواهد بود.

(۲) **تنش‌زدایی و پیشگیری از تداوم خشونت، جنگ و خونریزی در منطقه - اجرای برنامه‌های توسعه در کشورهای منطقه، از جمله در ایران، مستلزم برقراری صلح، آرامش و ثبات سیاسی است.** راهبرد برنامه‌ریزان طرح خاورمیانه بزرگ ایجاد یک قطب صنعتی - اقتصادی و سلطه درازمدت آنان بر منابع نفت منطقه است. در صورتیکه از طریق سیاسی و نظامی دستیابی به این اهداف امکان‌پذیر نباشد با تحمیل جنگ فرسایشی و خونریزی و ویرانی بر کشورهای منطقه، بنیه‌های اقتصادی و انسانی آنها را تباه و تضعیف می‌کنند تا با فرار مغزها و سرمایه‌ها از این کشورها، برنامه‌ریزان آسان‌تر بر دولتهای منطقه مسلط شوند و آنها را برای تأمین منافع درازمدت خویش وابسته سازند. از این‌رو، ضمن تقویت بنیه‌های دفاعی در حد ضرورت، بایستی با تنش‌زدایی در مناسبات خارجی، تأمین صلح و ثبات منطقه را به عنوان اهداف راهبردی مورد توجه قرار داد. اندیشه‌های اسلامی نیز، در شرایط آزاد و آرامش، راه توسعه و گسترش را طی خواهد کرد.

اکنون که آمریکا و متحدان یا پیروانش با اجماع جهانی و صدور قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران در پی منزوی کردن ایران هستند، باید با تدابیر لازم و انعطاف‌های تاکتیکی بموقع از تحقق چنین برنامه‌ای جلوگیری کرد. پذیرفتن "تعلیق غنی‌سازی در برابر تعلیق

تحریمها" مشروط بر اینکه حق ایران برای دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای برای مصارف صلح‌آمیز در چارچوب مقررات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی رسماً پذیرفته و تضمین شود، می‌تواند راهکار واقع‌بینانه‌ای برای عبور از بحران در شرایط کنونی باشد.

(۳) **تقویت توان داخلی برای مقابله با بحرانهای خارجی** - در سال ۱۳۸۱، نهضت آزادی ایران، براساس تحلیل شرایط بین‌المللی بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (شهریور ۱۳۸۰) و بحرانهایی که کشور را در معرض مخاطره قرار داده بود، ضرورت وفاق ملی را مورد بررسی و تأکید قرار داد. در مراسم سومین روز درگذشت شادروان دکتر یدالله سبحانی در حسینیه ارشاد (در ۸۱/۱/۲۷)، بنده به این ضرورت اشاره کرده و گفتم:

"اگر امروز فکر وفاق و آشتی ملی در شرایط حساس کنونی جامعه توسط بسیاری از خیرخواهان و علاقمندان به ملک و ملت مطرح می‌شود نه تنها همه کسانی که به جنبش اصلاحات، آزادی، مردمسالاری و قانونمداری باور دارند بلکه صاحبان اندیشه مقابل که ریشه تاریخی دارد نیز باید در راستای منافع ملی و مصالح نظام در چارچوب قانون اساسی تبادل نظر و همکاری داشته باشند و همگان خود را تابع رأی و تشخیص ملت بدانند که پیامد آن تأمین وحدت و منافع ملی خواهد بود."

در پی آن، در نشریه تحلیلی **وفاق ملی** دلایل، برنامه، پیش‌نیازها و پیامدهای وفاق ملی ارائه شد.^۲ اگرچه این طرح در ابتدا با برخی واکنش‌های منفی روبرو شد، گروه‌های مختلف به تدریج این ضرورت را مورد تأکید قرار دادند.

امسال، که بحرانهای منطقه‌ای و جهانی امنیت ملی کشورمان را به طور ملموس‌تر در معرض مخاطره قرار داده است، شعار "اتحاد ملی و انسجام اسلامی" توسط مقام رهبری مطرح شده است، و رسانه‌ها درخصوص آن تبلیغ فراوان می‌کنند. اما به گفته سعیدی علیه‌الرحمه "دو صد گفته چون نیم کردار نیست". از این رو، رسانه‌ها و صاحب‌نظران باید به تبیین پیش‌نیازهای تحقق اتحاد ملی و انسجام اسلامی بپردازند تا، به خواست خداوند، این شعار در طول سال ۸۶ جامه عمل بپوشد و ثمرات آن عاید کشور گردد.

(1) دومین یادنامه دکتر یدالله سبحانی - بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان، به کوشش علی اکرمی - صفحه ۱۰۷ - انتشارات قلم - ۱۳۸۳

(2) به پیام آقای دکتر ابراهیم یزدی در سوگ زنده‌یاد دکتر یدالله سبحانی، مورخ ۱۳۸۱/۱/۲۶، نشریه شماره ۱۷۷۸ مورخ ۱۳۸۱/۴/۸ نهضت آزادی ایران نگاه کنید. برای خواندن این نشریات به سایت www.nehzateazadi.net یا لوح فشرده اسناد نهضت آزادی، ویرایش ۳ مراجعه شود.

در شرایطی که دستگاه‌های اطلاعاتی، امنیتی و قضایی کشور حقوق اساسی ملت را - که در قانون اساسی تصریح شده است - رعایت نمی‌کنند و در دو سال اخیر فشار بر جنبش دانشجویی، جنبش زنان و احزاب سیاسی افزایش یافته، مطالبات صنفی کارگران و معلمان با سرکوب پاسخ داده می‌شود، فشار بر مطبوعات و محدودیت اطلاع‌رسانی با کاهش سرعت اینترنت و گسترش فیلترگذاری سایت‌های خبری و سانسور کتاب و عدم صدور مجوز چاپ کتاب برای غیر خودی‌ها به شدت افزایش یافته است و اقلیت‌های قومی و مذهبی از حقوق قانونی بهره‌مند نیستند، چگونه می‌توان از اتحاد ملی و انسجام اسلامی سخن گفت؟ آیا در حالی که دولت نهم و نظریه‌پردازان حامی آن - که به فعالیت آزاد نهادهای مدنی و احزاب سیاسی مصرح در اصل ۲۶ قانون اساسی باور ندارند و با آن مخالفت می‌کنند و یکی از مؤلفه اتحاد ملی را "ولایت مطلقه فقیه" می‌دانند چگونه می‌توان انتظار داشت که این نهادهای مورد تأیید خاص مقام رهبری مجری صادق این شعارها باشند؟

در شرایطی که حتی بیشتر احزاب و گروه‌های ملی و اسلامی - مانند نهضت آزادی ایران، که امروز به مناسبت پنجمین سالگرد درگذشت یکی از پایه‌گذاران آن گرد هم آمده‌ایم - از امکان فعالیت رسمی حزبی و استفاده از امکانات متعارف برای داشتن دفتر و روزنامه و ... محروم هستند چگونه می‌توان امیدی به تحقق این شعارها داشت؟

در حالی که اقلیت‌های قومی و دینی از بسیاری از حقوقشان مطابق اصول دوازدهم و نوزدهم قانون اساسی محروم هستند و اجازه برگزاری نمازهای جماعت و جمعه و داشتن مسجد در شهرهای بزرگ کشور را ندارند، چگونه شعار اتحاد ملی و انسجام اسلامی تبلیغ می‌شود؟

آیا ما و شما مخاطب آیه محکم قرآنی "لم تقولون ما لاتفعلون کبر مقتاً عندالله ان تقولوا ما لاتفعلون"^۱ نیستیم؟ و باور نداریم که خشم خدا از درون تحولات اجتماعی سرانجام دامن ما را خواهد گرفت؟ بنابراین، مشفقانه توصیه می‌شود که در شرایط کنونی کشور، به منظور تقویت توان داخلی و افزایش آمادگی برای مقابله با بحرانهای منطقه‌ای و جهانی، برنامه‌ریزی و اقدامات اساسی برای تحقق پیش‌نیازهای شعار "اتحاد ملی و انسجام اسلامی" صورت گیرد.

(۱) چرا سخنی می‌گویید که بدان عمل نمی‌کنید؟ نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که به آن عمل نمی‌کنید. (صف ۲ و ۳)

این اقدامات در محور داخلی شامل کاهش تشنجات سیاسی با قبول ضرورت وفاق ملی با همه پیش‌نیازها و الزامات اجتناب ناپذیر آن و تمرکز همه نهادها و نیروها بر حل مسائل و مشکلات داخلی، و در محور خارجی شامل اصلاح نگرش در مناسبات سیاست بین‌المللی و بهره‌گیری از تمام امکانات و ظرفیت‌های داخلی و بین‌المللی و خروج از تله انزوای جهانی است.

در پایان، بار دیگر یاد شادروان دکتر یدالله سحابی و یاران ایشان را گرامی می‌داریم و برای علو درجات آنان دست دعا بسوی رب العالمین می‌گشاییم. والسلام

محمد توسلی

۱۳۸۶/۱/۲۳